

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده زبانشناسی

گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی

پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی

مقایسه‌ی تاریخی - تطبیقی نظام واجی گویش تالشی و منابع برجای مانده از گویش آذری کهن

استاد راهنما :

دکتر زهره زرشناس

استاد مشاور:

دکتر آتوسا رستم بیک

پژوهشگر:

نیما آصفی یگان محله

شهریور ماه ۱۳۹۷

سعی ناپرده در این راه بجایی نرسی

مزد اگر می‌طلبی طاعت استاد ببر

سپاسگزاری من نسبت به همه‌ی اساتیدی است که در دوران کارشناسی ارشد بسیاری مطالب از ایشان آموختم به ویژه استاد گرانمایه سرکار خانم دکتر زرشناس که شاگردی ایشان همواره مایه‌ی سربلندی بنده بوده و خواهد بود. ارج می‌نهم زحمات سرکار خانم دکتر آتوسا رستم بیک استاد محترم مشاور این پایان نامه را، همچنین سپاسگزارم بابت زحمات استاد محترم داور، سرکار خانم دکتر فرزانه گشتاسب که در کلاس درسشان علم و اخلاق را با هم آموختم. در مسیر دشوار یادگیری زبان‌های ایران باستان کسی که همواره پشتیبان و مشوق من بوده همسر عزیزم خانم طاهره یاسمنی است. بی‌گمان اگر از خود گذشتگی و بردباری و بزرگواری او نبود این مهم حاصل نمی‌گشت.

تقدیم به همسر

و

دیگر دلباختگان ایران زمین

چکیده:

این پژوهش در پی یافتن پاسخی برای این پرسش اصلی است که ارتباط گویش‌های تاتی خلخال، تالشی و هرزنی با زبان آذری کهن چیست؟ آیا این گویش‌ها، چنانکه هنینگ (۱۳۵۴) اندیشیده در اصل گونه‌هایی از زبان تالشی و متفاوت با آذری کهن هستند یا خیر؟ گام نخست برای دست یافتن به این پرسش چنانکه خود هنینگ گفته و در این پژوهش پی گرفته شده واج شناسی تاریخی این گونه‌های زبانی است. به همین منظور چهار منبع مهم از منظر دگرگونی‌های واجی مورد بررسی قرار گرفتند. که شامل ۱- اشعار شیخ صفی‌الدین اردبیلی ۲- گویش هرزنی که در گذشته‌ای نه چندان دور در روستایی در آذربایجان شرقی رایج بوده است ۳- سه گونه‌ی متفاوت تالشی شمالی - مرکزی و جنوبی ۴- انواع گونه‌های تاتی خلخال. میزان و معیار شناخت این دگرگونی‌ها، زبان ایرانی باستان است که زبانی فرضی بر اساس داده‌های به دست آمده از زبان‌های ایرانی باستان - ایرانی میانه و ایرانی نو است. در فصل نتیجه‌گیری پس از ارائه‌ی توصیفی از شباهت‌ها و تفاوت‌های گویش‌های مورد بررسی، ۱۳ مورد از دگرگونی‌های واجی و تفاوت‌های واژه‌ای مشاهده شده تحلیل شدند. نتایج آماری به دست آمده در این بخش ما را بدین تحلیل کیفی رهنمود می‌سازد که خاستگاه نخستین گویش هرزنی نمی‌تواند چنانکه هنینگ انگاشته جایی در محدوده‌ی جنوب شرقی مناطق تالش زبان باشد. و اگر فرض بر این باشد که مردمان هرزن از تالش به این روستا کوچ کرده‌اند باید توجه کرد که براساس شواهد اگر چنین مهاجرتی رخ داده باشد مبدأ این مهاجرت نمی‌تواند در محدوده‌ی تالش امروزی باشد بلکه باید به دنبال مکانی در تالش تاریخی با گستردگی بسیار بیشتر از تالش امروز بگردیم. افزون بر این، نتایج حاکی از شباهت بسیار تاتی خلخال با تالشی مرکزی و جنوبی و تفاوت عمده‌ی آن با هرزنی است. بنا بر شواهد بدست آمده به نظر می‌آید که باید به معیارهای پیشین برای رده‌بندی و دسته‌بندی این گویش‌ها به دیده‌ی تردید بنگریم و تصور نکنیم به صرف نهادن نام تاتی بر گونه‌های زبانی رایج در خلخال، با گونه‌ی گویشی متفاوتی نسبت به تالشی روبرو هستیم.

فهرست مطالب

۱	پیشگفتار.....
	فصل نخست:
۲	کلیات.....
۳	۱-۱ بیان مسئله و موضوع پژوهش.....
۵	۲-۱ زبان تالشی و تالشان.....
۶	۳-۱ گویش تاتی خلخال.....
۷	۴-۱ زبان آذری کهن و منابع در دسترس.....
۸	۵-۱ هرزن و هرزنی.....
۸	۱-۲ قلمرو پژوهش.....
۸	۱-۲-۱ قلمرو مکانی.....
۸	۲-۲-۱ قلمرو زمانی.....
۸	۳-۲-۱ قلمرو موضوعی.....
۸	۳-۱ اهمیت و ضرورت پژوهش.....
۹	۴-۱ اهداف پژوهش.....
۱۰	۵-۱ کاربردهای پژوهش.....
۱۰	۶-۱ نوع پژوهش.....
۱۱	۷-۱ پرسش‌های پژوهش.....
۱۱	۸-۱ فرضیه‌های پژوهش.....
۱۲	فصل دوم: روش شناسی پژوهش.....
۱۳	۱-۲ روش پژوهش.....

- ۲-۲ روش جمع‌آوری اطلاعات..... ۱۳
- ۲-۳ روش تجزیه و تحلیل اطلاعات..... ۱۳
- فصل سوم: پیشینه پژوهش..... ۱۴
- ۱-۳ تاریخچه تحقیقات..... ۱۵
- فصل چهارم: یافته‌های پژوهش..... ۱۸
- ۱-۴ دوبیتی‌های شیخ صفی‌الدین اردبیلی..... ۱۹
- ۱-۱-۴ بررسی واژه به واژه..... ۱۹
- ۲-۱-۴ تحولات تاریخی واج‌ها در دوبیتی‌های شیخ صفی..... ۳۷
- ۳-۱-۴ فهرست واژه‌های بررسی شده در اشعار شیخ صفی..... ۴۸
- ۲-۴ هرزنی..... ۵۲
- ۱-۲-۴ بررسی واژه به واژه..... ۵۲
- ۲-۲-۴ تحولات تاریخی واج‌ها در گویش هرزنی..... ۶۸
- ۳-۲-۴ فهرست واژه‌های بررسی شده..... ۸۰
- ۳-۴ تالشی..... ۸۵
- ۱-۳-۴ بررسی واژه به واژه در ۳ گونه‌ی شمالی - مرکزی - جنوبی..... ۸۵
- ۲-۳-۴ تحولات تاریخی واج‌ها - مشترک در ۳ گونه..... ۱۱۳
- ۳-۳-۴ تحولات تاریخی واج‌ها - مشترک در گونه‌های جنوبی و مرکزی..... ۱۱۸
- ۴-۳-۴ تحولات تاریخی واج‌ها - مشترک در گونه‌های شمالی و مرکزی..... ۱۲۰
- ۵-۳-۴ تحولات تاریخی واج‌ها - مشترک در گونه‌های جنوبی و شمالی..... ۱۲۰
- ۶-۳-۴ تحولات تاریخی واج‌ها ویژه‌ی گونه‌ی شمالی..... ۱۲۱
- ۷-۳-۴ تحولات تاریخی واج‌ها ویژه‌ی گونه‌ی مرکزی..... ۱۲۳

- ۱۲۳..... ۸-۳-۴ تحولات تاریخی واج‌ها ویژه‌ی گونه‌ی جنوبی.
- ۱۲۴..... ۴-۳-۹ فهرست واژه‌های بررسی شده.
- ۱۲۸..... ۴-۴ تاتی خلخال.
- ۱۲۸..... ۴-۴-۱ بررسی واژه به واژه.
- ۱۴۰..... ۴-۴-۲ تحولات تاریخی واج‌ها در گویش تاتی خلخال.
- ۱۴۶..... ۴-۴-۳ فهرست واژه‌ها.
- ۱۵۰..... فصل پنجم: بحث، تفسیر، استنتاج.
- ۱۵۰..... مقدمه.
- ۱۵۱..... ۵-۱ تحلیل پیرامون دگرگونی‌های آوایی.
- ۱۵۲..... ۵-۱-۱ پیرامون تبدیل $r < t$.
- ۱۵۴..... ۵-۱-۲ پیرامون تبدیل $y < j$.
- ۱۵۴..... ۵-۱-۳ پیرامون تبدیل $*ha\check{c}a$.
- ۱۵۵..... ۵-۱-۴ پیرامون تبدیل $hr < fr$.
- ۱۵۶..... ۵-۱-۵ پیرامون تبدیل $x/h < hv$.
- ۱۵۷..... ۵-۱-۶ پیرامون تبدیل $\check{c} < g$.
- ۱۵۷..... ۵-۱-۷ پیرامون تبدیل $v < p$.
- ۱۵۸..... ۵-۱-۸ پیرامون خوشه $*sp$.
- ۱۵۸..... ۹-۱-۵ پیرامون تبدیل $r < d$.
- ۱۵۹..... ۵-۱-۱۰ پیرامون تبدیل $\check{s} < \check{s}m$.
- ۱۵۹..... ۵-۱-۱۱ پیرامون همخوان آغازین در واژه‌ی خندیدن.
- ۱۶۰..... ۵-۲ پیرامون اشتقاق ۲ واژه.

۱-۲-۵ پیرامون اشتقاق واژه‌ی ماه..... ۱۶۰

۲-۲-۵ پیرامون اشتقاق واژه‌ی خواب..... ۱۶۰

۳-۵ نکته‌ای پیرامون اعداد..... ۱۶۰

۱-۳-۵ پیرامون اعداد ۱۱ تا ۱۹..... ۱۶۰

۵-۴ تحلیل آماری ۱۷۴

۵-۵ تحلیل کیفی..... ۱۷۵

فهرست

واژه‌ها..... ۱۷۹

منابع..... ۱۸۴

فهرست جداول

جدول ۱ $r < t$ ۱۶۱

جدول ۲ $y < j$ ۱۶۲

جدول ۳ $*ha\check{c}a$ ۱۶۳

جدول ۴ $hr < fr$ ۱۶۴

جدول ۵ $h < hv$ ۱۶۵

جدول ۶ $\check{s} < g$ ۱۶۵

جدول ۷ $\check{s} < \check{s}m$ ۱۶۶

جدول ۸ $v < p$ ۱۶۷

جدول ۹ خوشه‌ی sp ۱۶۸

جدول ۱۰ همخوان آغازین واژه‌ی خندیدن..... ۱۶۸

جدول ۱۱ واژه‌ی خواب..... ۱۶۹

جدول ۱۲ واژه‌ی ماه..... ۱۷۰

جدول ۱۳ کلیات در یک نگاه..... ۱۷۲

پیشگفتار:

هدف از این پژوهش بررسی آوایی چند گونه‌ی زبانی است تا برا اساس داده‌های بدست آمده جایگاه مهاجران تالش زبان هرزن تخمین زده شود. سرفصل‌های این طرح که شامل مقدمه و شش فصل می‌شود به شرح زیر است:

الف) کلیات: که شامل توضیحاتی در مورد مناطق تات زبان خلخال، سه گونه‌ی زبان تالشی، گونه‌ی زبان هرزنی و اشعار شیخ صفی الدین اردبیلی است.

ب) بخش دوم شامل بحث و بررسی زبانی و فهرست ویژگی‌های زبانی اشعار شیخ صفی الدین است. در این بررسی تلاش شده تمامی نظرات پژوهشگران پیشین مورد مطالعه قرار گیرد.

ج) بخش سوم مربوط به گونه‌ی زبانی هرزن است. این بخش از مهمترین بخش‌های این پژوهش است و تلاش شده تا با گزینش هدف‌دار واژه‌ها ویژگی‌های مهمی از این گونه‌ی زبان مورد مطالعه قرار بگیرد.

د) بخش بعدی متعلق به بررسی سه گویش اصلی زبان تالشی است. گویش جنوبی از گونه‌ی آلیانی، گویش مرکزی از گونه‌ی اسالمی و گویش شمالی بیشتر مربوط به گونه‌ی لوندویل است.

ه) بخش پنجم بررسی واژه‌های چند لهجه و گونه از تاتی خلخال است. در این بخش به حوزه‌های جغرافیایی این گونه‌ها توجه شده است.

و) در بخش پایانی به تحلیل داده‌ها و بررسی نظریه‌ها و پیشنهادات جدید در مورد جایگاه جغرافیایی و گونه‌ی زبانی مهاجران پرداخته شده است.

فصل اول

کلیات

۱-۱. بیان مسئله و موضوع پژوهش

نخستین اثری که به جغرافیای آذربایجان اشاره دارد توسط جغرافی نویسنده یونانی استرابو (۶۳ پیش از میلاد تا ۱۹ پس از میلاد) نوشته شده است «ماد ۲ بخش است بخشی از آن را ماد بزرگ می‌نامند و پایتخت آن همدان است... بخش دیگر ماد را آتروپتنه خوانند... این سرزمین در شرق ارمنستان و مغرب ماد بزرگ است و به گوشه‌ای از دریای گرگان برمی‌خورد (رضا زاده ملک، ۱۳۷۷، ۷)». نخستین اثری که به زبان آذری اشاره می‌کند گفته ابن مقفع نقل شده توسط ابن ندیم است، که زبان مردمان اصفهان، ری، همدان، ماه نهاوند، آذربایجان یعنی مناطق قلمرو ماد قدیم را فهلوی می‌خواند. در منابع مختلف آثاری از گویش کهن آذربایجان برجای مانده که مهمترین منابع به شرح زیر هستند: ۱- سفینه‌ی تبریز ۲- دیوان همای تبریزی ۳- صفوة الصفا ۴- سلسله النسب صفویه ۵- سفینه‌ی متعلق به منوچهر تفضلی ۶- جنگ یافت شده در تالش توسط ابراهیم روایی ۷- دیوان شمس مغربی ۸- جامع الالحن ۹- دیوان بدر شروانی ۱۰- روضات الجنان و جنات الجنان ۱۱- مزارت اولیای تبریز ۱۲- هفت اقلیم. پژوهش‌های انجام شده بر روی منابع بازمانده از زبان آذری کهن نشان دهنده‌ی آن است که این گویش از دسته‌ی زبان‌های شمال‌غربی ایرانی بوده و همسانی فراوانی با گویش‌های تاتی و تالشی دارد. پرسش اصلی پژوهش حاضر را هنینگ (۱۹۵۴) در مقاله‌ی زبان آذری کهن مطرح کرده است آنجا که به بخش مهمی از منابع برجا مانده‌ی آذری کهن به دیده تردید می‌نگرد. تردید او این است که آیا دوبیتی‌های شیخ صفی‌الدین اردبیلی و گویش هرزنی به واقع گونه‌ای از زبان آذری کهن هستند یا وابسته و ادامه و گونه‌ای از زبان تالشی؟ هنینگ برای بررسی زبان آذری کهن چهار منبع را بررسی کرده: ۱- گویش مرسوم در تاجیکستان که در این گویش شباهت‌های بیش از اندازه با گویش تالشی می‌بیند، بویژه در صرف افعال و از طرفی بر این باور است که این گویش در مرز آذربایجان قرار دارد و گویش مرکزی آذربایجان چیزی جدای از تاجیکستانی بوده اگرچه بی‌تردید شباهت‌های زیادی نیز داشته‌اند. ۲- دوبیتی‌های منسوب به شیخ صفی‌الدین اردبیلی که از نگاه هنینگ افزون بر اینکه باز هم نزدیکی بسیار با زبان تالشی دارد از نظر مکانی نیز در فاصله بسیار نزدیک به مردمان تالش زبان سروده شده است و می‌توانسته زیر نفوذ و تاثیر شدید زبان تالشی بوده باشد. ۳- هرزنی که از سویی خود مردمان هرزن بر این باورند که در روزگاران گذشته از تالش به سرزمین تازه‌شان آمده‌اند و از دیگر سو همسانی فراوان این گویش با زبان تالشی و گویش زازاها، هنینگ را دچار تردیدی مهم می‌کند. بدین

ترتیب که با توجه به پژوهش‌های گذشته آشکار است که گویش زازا از طریق مهاجرت از منطقه‌ای در حدود دیلم به شرق ترکیه امروزی منتقل شده است. با توجه به شباهت دوگانه میان هرزنی و تالشی، نیز هرزنی و زازا جایگاه اصلی گویش هرزنی احتمالاً گیلان و در محلی میان جنوب شرقی تالش و سرزمین کهن گویش زازا (دیلم) بوده است. یارشاطر (۱۳۵۴) نیز ابتدا نظره‌نینگ را درست می‌دانسته اما بعدها از نظر خود عدول کرده و تمامی منابع آذری کهن و زبان تالشی را زیر مجموعه‌ی گروه مادی دانست. به این ترتیب بخش مهمی از منابع آذری کهن از نگاه هنینگ مورد تردید قرار می‌گیرند. با توجه به مقاله‌ی هنینگ نیاز مبرم به پژوهشی همزمان بر روی منابع آذری کهن و زبان تالشی احساس می‌شود و تا پیش از انجام این پژوهش همواره این تردید وجود خواهد داشت که نتیجه‌گیری‌های برگرفته از پژوهش بر روی منابع کهن آذری که به عنوان قوانین و قواعد حاکم بر این زبان مطرح می‌شوند حتمی نخواهند بود. از دیگر سو با توجه به جایگاه زبان آذری کهن و زبان تالشی می‌توان با واکاوی موشکافانه‌ی این زبان‌ها به قواعد زبانی دوره‌های کهن‌تر این مناطق که می‌بایست مادی باشد تا حدودی پی برد. و همچنین به دلیل شمال‌غربی بودن زبان تالشی و آذری کهن، می‌توان با بررسی بیشتر این گویش‌ها به پیشرفت مطالعات زبان‌های ایرانی میانه‌ی غربی کمک کرد و به یافته‌های تازه‌ای رسید.

زبان تالشی منسوب به قوم تالش است و سرزمین اصلی تالشان اکنون در دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان (اران) قرار دارد. در کشور جمهوری آذربایجان تالش‌ها در لنکران، لریک و یاردیملی سکونت دارند. در ایران مناطق تالش نشین استان گیلان از رودبار آغاز می‌شود و در ادامه شهرستان‌های شفت، فومن، ماسال، رضوانشهر، تالش و آستارا را شامل می‌شود. همچنین بخش‌هایی از استان اردبیل همچون نمین و عنبران تالش‌نشین هستند. به احتمال قوی قلمرو زبان تالشی و گویش‌های نزدیک به آن در گذشته بیشتر از امروز به سوی جنوب گسترده بوده است. زبان تالشی از گروه زبان‌های ایرانی شمال غربی است. همگی گونه‌های زبان تالشی در سه گروه عمده جای می‌گیرند: ۱. گویش شمالی ۲. گویش مرکزی ۳. گویش جنوبی. گویش مرکزی در قلمرو دو رودخانه‌ی سفارود و کرگانرود متداول است. گونه‌ی اسالمی در قلمرو گویش مرکزی دسته‌بندی می‌شود. یارشاطر اسالمی را لهجه‌ی اصلی تالشی می‌داند. گویش تالشی مرکزی از لحاظ جغرافیایی شامل بخش اسالم شهرستان تالش و بخش پره‌سر شهرستان رضوانشهر است. گویش جنوبی در محدوده‌ای میان سپیدرود و سفارود دارای گویشور است که شامل بخش‌هایی از شهرستان رودبار، شفت، فومن، ماسال و بخش‌هایی از شهرستان رضوانشهر و همچنین صومعه‌سرا است. تالشی شمالی در مناطق شمال کرگانرود یعنی بخش‌هایی از شهرستان تالش و تمام شهرستان آستارا تا رود کورا در جمهوری آذربایجان رایج است. از چند دهه پیش به سبب ترک زبان شدن اهالی آستارا و افزایش ارتباط‌ها بین تالشان و اهالی ترک‌زبان آذربایجان و مهاجرت ایشان به دیار تالش و نبودن هیچ گونه فعالیت هنری و فرهنگی مرتبط با تالش و تالشی، رواج زبان ترکی در این دیار سرعت بیشتری یافته است. اهالی شهرستان آستارا که بخشی از قوم تالش هستند، مدت‌هاست که ترک زبان شده‌اند و تنها در حوالی لوندویل و ویزنه و نقاط کوهستانی آن شهرستان تالشی هنوز گویشوران خود را از دست نداده است. از لوندویل تا نزدیکی لیسار، ترکی، زبان مسلط نقاط جلگه‌ای است. از لیسار تا هشپیر زبان‌های تالشی و ترکی به موازات هم رواج دارند. به این ترتیب که در مراکز تجاری و آبادی‌های بزرگ واقع در مسیر جاده‌ی تالش به آستارا بیشتر به زبان ترکی سخن گفته می‌شود، ولی در آبادی‌های کوچک سخن گفتن به زبان تالشی عمومیت بیشتری دارد. از هشپیر تا اسالم زبان ترکی به میزانی کمتر و آن هم تنها در مراکز عمده‌ی تجاری مانند آبادی سه راه خلخال رواج دارد. از اسالم به بعد محدوده‌ی رواج زبان ترکی قطع می‌شود. در این ناحیه توجه به زبان فارسی جایگزین توجه به زبان ترکی می‌شود و در بسیاری از خانواده‌ها، اعم از تالش یا گیلک، والدین با فرزندان خود به زبان فارسی سخن می‌گویند و می‌کوشند این زبان را به موازات زبان محلی به فرزندان خود بیاموزند. در تالش جنوبی یعنی تالشدولاب، ماسال، شاندرمن و فومنات با اینکه تالشان با گیلکان دارای روابط وسیعی هستند و آبادی‌های زیادی در این ناحیه در برگیرنده‌ی اجتماعات تالش و گیلک هست، و با وجود عوامل

فراوانی که می‌تواند در امر رایج ساختن زبان گیلکی در قلمرو زبان تالشی در تالش جنوبی همان نقشی را ایفا نماید که ترکی و تالشی در تالش شمالی در مقابل هم دارند، کمتر اتفاق افتاده که یک گروه یا خانواده تالش، زبان گیلکی را جایگزین زبان اصلی خود نموده باشد بلکه این دو زبان توانسته‌اند مستقلاً در کنار هم رایج باشند و حتی تا حدودی ضمن یک وام دهی و وام گیری طبیعی موجب تقویت هم شوند.

در مورد پیشینه‌ی زبان تالشی باید گفت که احتمالاً همچون زبان آذری کهن برجای مانده از مادی باستان است. دیاکونوف در تاریخ ماد این موضوع را تأیید نموده است و در حواشی مربوط به فصل ششم کتاب می‌افزاید: گویش تالشی ویژگی‌های صوتی اصلی را که خاص زبان مادی بوده حفظ کرده است. همچنین می‌گوید: در زمان حاضر تات‌ها و تالشان و گیلکان و مازندرانی‌ها به لهجه‌هایی سخن می‌گویند که خود بقایای زبان هند و اروپایی است که در آغاز زبان ماد شرقی بوده است. به نظر یارشاطر در بازسازی زبان مادی که تاکنون بیشتر براساس آثار این زبان در کتیبه‌های هخامنشی صورت گرفته است، اکنون می‌توان بازمانده گویش‌های آذری در آذربایجان و نیز زبان تالشی را ملحوظ داشت. توافق اصولی قواعد صوتی این زبان‌ها با قواعد صوتی مادی باستان ادامه زبان مادی را در این زبان‌ها تأیید می‌نماید.

۱-۳. گویش تاتی خلخال

در شهرستان خلخال مردمان روستاهای اسکستان، اسبوی، درو، کلور، شال، دیز، کرین، کهل، لرد، گیلوان و طهارم دشتی در بخش شاهرود و مردمان روستاهای کجل و کرنق در بخش خورش رستم به گویش تاتی سخن می‌گویند. واژه‌ی تات در چند منبع تاریخی غیر فارسی بکار رفته است که از آن جمله می‌توان به کتیبه‌ی اورخون نوشته شده در قرن ۲ هجری و دیوان لغات‌الترک محمود کاشغری اشاره کرد که در بیتی واژه‌ی تات را به معنی ایرانی و غیر ترک می‌آورد. در منابع فارسی واژه‌ی تات بار نخست در کتاب طبقات ناصری نوشته‌ی منهای‌الدین سراج به واژه‌ی تات اشاره شده است (۶۵۸-۶۵۷ هجری) و محمد تقی بهار آن واژه را برابر تازیک و تاجیک به معنی فارسی زبان دانسته است. همچنین شاعر پر آوازه مولانا جلال‌الدین محمد بلخی در بیتی واژه‌ی تات را به معنای ایرانی به کار برده است. ارانسکی بر این باور است که واژه‌ی تات بر نژاد و قبیله‌ای اطلاق نمی‌شده است و قبایل صحرا نشین ترک، مردم زراعت پیشه و ایرانی زبان قفقاز را به نام تات می‌خوانده‌اند.

در پژوهش حاضر تمرکز بر روی ۷ گونه‌ی زبانی روستاهای خلخال به این شرح است: ۱- روستای اسکستان که نخستین روستای بخش شاهرود از طرف خلخال است در این روستا قبرهایی قدیمی معروف به گبره قبر (قبر زرتشتیان) وجود دارد که نشان از دیرینگی این روستا است. بیشتر ارتباط مردم این روستا با تالش‌ها است. ۲- روستای درو که از سمت شرق به ارتفاعات رشته کوه تالش (بیلاقات شاندرمن و رضوانشهر) و از غرب به

روستاهای لرد و میان رودان پیوسته است. پیشه‌ی غالب در این روستا کشاورزی و دامداری است. ۳- روستای شال که یکی از روستاهای بزرگ بخش شاهرود است و احتمالاً نام کهن شاهرود یعنی شالرود از همین روستا گرفته شده است. جوینی وزیر و مورخ قرن هفتم نام این روستا را در کتاب تاریخ جهانگشای خود آورده است. ۴- روستای کجل در منطقه‌ای کاملاً کوهستانی در جنوب استان اردبیل واقع شده است. روستای کجل از منظر جغرافیایی محل پیوستن استان‌های زنجان و آذربایجان شرقی و اردبیل است. ۵- روستای کرنق که در دل کوه قرار دارد و مانند دیگر مناطق شهرستان کشاورزی و دامداری مهمترین پیشه‌ی مردم است. ۶- کرین در ۱۹ کیلومتری کلور قرار گرفته است. در گذشته کشاورزی در این روستا رونق داشت اما مدتی است که زمین‌های کشاورزی به زمین‌های بایر بدل شده‌اند و این پیشه از رونق افتاده است. ۷- روستای کلور که مرکز بخش شاهرود است و مدخل‌های تاتی خلخال در این پژوهش بر مبنای این گونه‌زبانی تدوین شده است. کلور دارای آب و هوایی نسبتاً سرد و نیمه خشک است.

۴-۱. زبان آذری کهن و منابع در دسترس

همانگونه که هنینگ گفته است در این مورد که زبان کهن آذربایجان زبانی غیر از ترکی بوده و بر خلاف زبان ترکی در دسته زبان‌های ایرانی قرار می‌گرفته است کوچکترین تردیدی وجود ندارد. شواهد مکتوب بسیاری در دسترس است که به زبان پیشین مردم آذربایجان اشاره‌ی مستقیم دارد و توضیحات آشکاری می‌دهد که در این زمینه می‌توان به گفته‌ی یاقوت حموی در معجم ابلدان اشاره کرد که گفته " آنان را گویشی است که بدان آذریه گفته می‌شود و جز خودشان کسی آن را نمی‌فهمد. بی‌تردید این تعریف نمی‌تواند در مورد زبان ترکی که در آن روزگار زبانی مشهور بود گفته شده باشد. افزون بر منابعی که به آذری کهن اشاره می‌کنند منابعی نیز در دست داریم که به آن زبان نوشته شده‌اند از جمله دوبیتی‌های شیخ صفی‌الدین اردبیلی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند - دوبیتی و غزل‌های مهان کشفی - غزل و دوبیتی‌های مغربی - عبارت نقل شده از ماما عصمت - غزل ملمع هم‌همچنین اشعار موجود در سفینه‌ی تبریز. در باره‌ی زبان آذری، یعنی په‌نه‌ی وسیع لهجه‌های پراکنده‌ی ایرانی در آذربایجان باید نکته زیر مورد توجه قرار بگیرد: آذری نامی عمومی و عنوان کلی برای لهجه‌های گوناگون رایج در آذربایجان است که گاهی در مفهوم عام "فهلوی" و گاهی در مفهوم خاص مثلاً تبریزی، زنجان، اردبیلی، مراغی، ارموی، هرزنی و غیره به کار می‌رفته است.

۵-۱. هرزن و هرزنی

منوچهر مرتضوی نقل می‌کند که زبان هرزنی در سه روستای کهن هرزن، گلین‌قیه و بابر که در فاصله‌ای بسیار کم از یکدیگر قرار گرفته‌اند در روزگارانی نه چندان دور دارای گویشور بوده است (مرتضوی، ۱۰۹: ۱۳۸۴).

متأسفانه این گونه‌ی زبانی اکنون گویشور ندارد و جای خود را به زبان ترکی داده است. مردمان هرزن به نقل از پدران و نیاکانشان این احتمال را می‌دهند که حدود ۲۰۰ یا ۳۰۰ سال پیش از نواحی تالش به این منطقه کوچ کرده‌اند و در هرزن کهن ساکن شده‌اند و سپس در گلین‌قیه و بابره سکونت گزیده‌اند. در مورد همین موضوع باید به این نکته اشاره کرد که اسنادی در دست داریم که نشان می‌دهد هرزن کهن، صدها سال پیش از داستان این مهاجرت وجود داشته است مشخصاً می‌توان به سند روزگار خواجه رشیدالدین و خواجه غیاث‌الدین وزراء ایلخانان اشاره کرد که نشان می‌دهد در آن روزگار برای حل و فصل دعاوی اهالی هرزن کهن با گماشتگان وزیر اعظم امپراتوری ایلخانی به فرمان وزیر، شخص قاضی بزرگ مقیم تبریز مامور رسیدگی در مورد این دعاوی می‌شود و جالب آنکه نتیجه‌ی حکم به نفع مردم هرزن و علیه نمایندگان وزیر صادر شده است.

۱-۲. قلمرو پژوهش

۱-۲-۱. قلمرو مکانی

غرب استان گیلان مناطق تالش‌نشین و نیز بخش‌هایی از استان اردبیل (مناطق تات‌نشین در حوزه‌ی شهرستان خلخال و مناطق تالش‌نشین در حوزه‌ی شهرستان نمین) و روستای هرزن واقع در آذربایجان شرقی.

۱-۲-۲. قلمرو زمانی

منابع کتابی مورد بررسی در این طرح از نظر زمان کتابت متعلق به قرن‌های ۱۰، ۱۱، ۱۲ هجری قمری است اما از نظر محتوا و دوره‌ی زبانی متعلق به اواخر سده هفتم تا اوایل سده دهم هجری قمری است.

۱-۲-۳. قلمرو موضوعی

بررسی نظام واجی بر مبنای زبان‌شناسی تاریخی

۱-۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

پژوهش حاضر در آشکار شدن و وضعیت واج‌ستگی یا عدم واج‌ستگی منابع مورد تردید هنینگ یعنی گویش هرزنی، تاتی خلخال و دوبیتی‌های شیخ صفی به زبان تالشی نتیجه بخش خواهد بود (هنینگ در مقاله‌ی یاد شده نخستین معیار تشخیص آذری بودن یا نبودن گویش هرزنی را بررسی تحولات آوایی این گویش‌ها می‌داند).

همچنین طرح داده شده می‌تواند سنجشی باشد، برای آگاهی از میزان درک زبانی گویشوران منطقه ماد قدیم از گویش یکدیگر و نیز میزان تغییرات واجی این مناطق نسبت به زبان‌های باستانی و میانه‌ی شناخته شده. با

توجه به دانسته‌های اندک زبانی در مورد زبان مادی میانه و باستان، می‌توان با مورد پژوهش قراردادن آذری کهن به یافته‌هایی نو در مورد زبان مادی دست یافت.

از دیگر دستاوردهای پژوهش بر روی گویش‌های ایرانی غربی نو این است که این پژوهش‌ها در پیشرفت مطالعات زبان‌های ایرانی میانه‌ی غربی سودمند خواهند بود به ویژه در مورد واژه‌های مبهم و فراموش شده. در میان گویش‌های شمال غربی نو، گویش تالشی با ویژگی‌های منحصر به فرد و کهن‌گونه خود، کمتر مورد ارزیابی و پژوهش علمی به ویژه از نگاه زبان‌شناسی تاریخی قرار گرفته است و این پژوهش می‌تواند در شناخت بیشتر این گویش کارگر بیفتد. همچنین بیشتر کارهای انجام شده بر روی زبان کهن آذربایجان متعلق به دهه‌ها پیش است و با توجه به یافته‌های زبان‌شناسی در دوره‌های اخیر به نظر می‌رسد بررسی دوباره‌ی این زبان به نتایج تازه‌ای برسد. نیک می‌دانیم دو گونه از گویش آذری کهن برجا مانده در مناطق آذربایجان یعنی کرینگانی و تاتی نفس‌های آخر را می‌کشند، در هرزن تنها یک نفر این گویش را می‌داند که سن و سال بالایی دارد، تالشی نیز اگر چه شرایط بهتری دارد اما با شتاب به سوی فراموشی پیش می‌رود. بنابراین منابع زنده به زودی از میان خواهند رفت و زمان برای پژوهش میدانی زیاد نخواهد بود.

افزون بر موارد گفته شده، در زمانه‌ای که مناطق آذری نشین ایران پی در پی از سوی کشورهای همسایه مورد تهاجم اندیشه‌ی پانترکیسم قرار می‌گیرند و همبستگی و پیوستگی دیرین ایرانیان به بهانه‌ی وجود شعبه‌ای از زبان ترکی در سرزمین‌های ایرانی خدشه دار می‌شود، پژوهش بر روی زبان کهن آذربایجان و یاد آوری پیشینه‌ی زبانی همسان بایسته می‌نماید. همچنین وجود زبان تالشی در خارج از مرزهای کنونی ایران که نشانگر حوزه‌ی فرهنگی ایران زمین است میزان اهمیت بررسی این گویش را دو چندان می‌کند.

۱-۴. اهداف پژوهش

هدف اصلی: بررسی میزان، نوع ارتباط، وابستگی و یا عدم وابستگی منابع برجای‌مانده از زبان آذری کهن و تالشی بر مبنای نظام واجی این زبان‌ها.

اهداف فرعی:

- آگاهی از نظام واجی منابع مکتوب آذری کهن

- واج‌شناسی گویش هرزنی

- واج‌شناسی تاریخی سه گونه اصلی زبان تالشی

- واج‌شناسی گویش تاتی خلخال

- بررسی این مورد که کدام گونه تالشی بیشترین شباهت را با هرزنی دارد

- بررسی شباهت واژه‌ها از نظر کیفیت آوایی و مفهومی با زبان‌های باستانی و میانه ایرانی غربی

۱-۵. کاربردهای پژوهش

این پژوهش رهیافتی نو به ماجرای مهاجرت مردمان تالش به هرزن با اتکا به دانش زبانشناسی تاریخی خواهد بود. همچنین در این پژوهش واژه‌های فروانی واجشناسی تاریخی شده‌اند که بر داده‌های این پژوهش می‌توان دگرگونی‌های واجی مناطق مورد بررسی (به ویژه تالشی) را از دوران دور تا امروز پیدا کرد و در مسائلی همچون بازسازی واژگانی و وامواژه‌های نو لحاظ کرد.

۱-۶. نوع پژوهش

روش پژوهش در این پایان نامه توصیفی-تحلیلی و تطبیقی است. در مورد اشعار شیخ صفی با توجه به اینکه قرن‌ها از مرگ گویش مورد نظر در اردبیل و نیز در مورد گویش هرزنی روش پژوهش کتابخانه‌ای است. اما در بخش پژوهش بر روی زبان تالشی و نیز گویش تاتی خلخال افزون بر استفاده از کتاب‌های فرهنگ و دیگر کتاب‌ها و مقالات موجود، از پژوهش میدانی نیز برای درک بهتر قواعد آوایی و نیز کشف احتمالی واژگان مهجور و فراموش شده استفاده خواهد شد.

در گزینش واژه‌های بررسی شده در این پژوهش، ۳ شرط پیش روی پژوهشگر بوده است:

نخست اینکه باید همه‌ی واژه‌ها دارای اشتقاق شناخته‌شده از سوی پژوهشگران طراز اول بوده باشند و شامل نظرات شخصی نگارنده قرار نگیرند. در این مورد باید خواننده‌ی محترم توجه کند که گونه‌های زبانی این پژوهش از سوی پژوهشگران پیشین بسیار کم مورد استقبال قرار گرفته‌اند و این مهم سبب دشواری فراوان در پژوهش حاضر گردید.

دومین شرط در گزینش واژه این بوده است که بتوان، بر اساس پیشینه‌ی یافته شده، دگرگونی‌های آوایی را تشخیص و شرح داد. از آنجایی که هیچ کار علمی گسترده‌ای در زمینه‌ی دگرگونی‌های آوایی مناطق مورد نظر این پژوهش، پیشتر انجام نشده است نگارنده باید با احتیاط به ارائه نظرات خود پردازد. یادآوری می‌گردد که فرم باستانی واژه در مناطق تالش نشین بسیار دستخوش حذف واکه‌های میانی می‌شود و همین نکته سبب دشواری تشخیص می‌گردد.

سومین شرط این بوده است که به سراغ واژه‌هایی برویم که به نظر می‌آید دگرگونی‌های آوایی متفاوتی را نسبت به زبان فارسی طی کرده‌اند. اگرچه این شرط در همه‌ی واژه‌ها قابل اعمال نبود اما همواره به عنوان نکته‌ای مهم پیش روی نگارنده بوده است.

توجه گردد که نکات گفته شده در بالا مربوط به تالشی - هرزنی و تاتی خلخال است نه اشعار شیخ صفی. در اشعار شیخ صفی تمام واژه‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

۷-۱. پرسش‌های پژوهش

۱. آیا دگرگونی d باستانی به r که از ویژگی‌های آذری کهن است در تالشی نیز رخ می‌دهد؟

۲. آیا دگرگونی خوشه‌ی همخوان fr به hr که در تالشی دیده می‌شود؟

۳. آیا تبدیل همخوان میانی t باستانی به همخوان r که در منابع آذری به فراوانی دیده می‌شود در تالشی نیز رخ می‌دهد؟

۴. ویژگی‌های آوایی هرزنی با کدام یک از گونه‌های سه‌گانه‌ی تالشی نزدیکی بیشتری دارد؟

۸-۱ فرضیه‌های پژوهش

۱- ویژگی‌های آوایی منابع آذری کهن و تالشی نزدیکی بسیاری با واژه‌های اوستایی و نیز پهلوی اشکانی دارند که می‌تواند براساس نزدیکی زبان مادی باستان و اوستایی توجیه گردد.

۲- عدم وجود تبدیل خوشه fr به hr درگوش تالشی در نگاه اول نشانگر تفاوت با سیر تحولات آوایی در منابع آذری است اما به نظر می‌رسد در تالشی نیز ابتدا این تبدیل آوایی صورت گرفته است اما در مرحله پسین حذف همخوان h به عنوان همخوان میانی اتفاق افتاده است. برای نمونه می‌توان به حذف همخوان h هنگام قرار گرفتن پیشوند ba در فعل harde (خوردن) اشاره کرد: bardimun (می‌خوریم).

۳- تبدیل همخوان t میانی به r که در منابع آذری به فراوانی دیده می‌شود درگوش تالشی نیز در ضمیر دوم شخص متصل دیده می‌شود اما در اسامی و صفات بسیار نادر است.

۴- برخی تحولات آوایی نشانگر نزدیکی منابع آذری کهن با فرم جنوبی زبان تالشی به ویژه مناطق شهرستان فومن است از جمله تبدیل $y < \zeta$ به عنوان مثال yan در هرزنی و yen در تالشی ماسوله هر دو به معنای زن ازسویی برخی تحولات آوایی منابع آذری با فرم آوایی و واژه‌های تالشی شمالی همسان است.

فصل دوم روش شناسی پژوهش

۱-۲. روش پژوهش

روش پژوهش در این پایان‌نامه توصیفی-تحلیلی و تطبیقی است. در مورد اشعار شیخ صفی با توجه به اینکه قرن‌ها از مرگ گویش مورد نظر در اردبیل می‌گذرد پژوهش کتابخانه‌ای خواهد بود اما در مورد اشعار منسوب به مهان کشفی نمین به دلیل زنده بودن گویش خاص آن منطقه در بخش‌هایی از نمین و عنبران، پژوهش میدانی در کنار پژوهش کتابخانه‌ای انجام می‌گیرد. در مورد گویش هرزنی روش پژوهش کتابخانه‌ای است اما در بخش پژوهش بر روی زبان تالشی و نیز گویش تاتی خلخال افزون بر استفاده از کتاب‌های فرهنگ و دیگر کتاب‌ها و مقالات موجود، از پژوهش میدانی نیز برای درک بهتر قواعد آوایی و نیز کشف احتمالی واژگان مهجور و فراموش شده استفاده خواهد شد.

۲-۲. روش جمع‌آوری اطلاعات

اساس گردآوری اطلاعات در مورد متون کهن استفاده نسخه‌برگردان‌ها و نسخ دیجیتال‌های مراکزی که این نسخ در آنجا قرار دارند خواهد بود مراجعه به این مراکز و استفاده از داده‌های اینترنتی آنها می‌تواند راهگشا باشد. در مورد گویش هرزنی و کرینگانی از مواد زبانی گرد آمده توسط کسروی و مرتضوی، یحی ذکاء، عبدالعلی کارنگ استفاده خواهد شد.

۳-۲. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

در این پژوهش تحلیل به شکل کیفی خواهند بود. برای تحلیل مواد زبانی منابع مکتوب آذری کهن علاوه بر استفاده از پژوهش‌های پیشین پژوهشگران از روش مقایسه با تالشی و تاتی استفاده خواهد شد. همچنین سنجش این متون با زبان‌های ایرانی میانه‌ی غربی به علت تعلقشان به یک شاخه زبانی سودمند خواهد بود. در کل اثر از تحلیل‌های زبان‌شناسی تاریخی استفاده می‌شود.